



۲۰۱۷/۰۸/۰۶

جلیل غنی هروی

نگاهی بر حدود آزادی بیان

از یمن تکنالوژی و انکشاف آن در همه ساحات به خصوص در بخش اطلاعات و آگاهی دهی و خدمت به نوع بشر در رسانیدن رویدادها و حوادث به اسرع وقت، جهان امروز به نام دهکده جهانی یاد می‌شود. ساکنین این دهکده جهانی درست مثل باشندگان یک خانواده، یک دهکده، یک شهر و یک مملکت در برابر یک دیگر مکلفیت‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی دارند که نوع بشر را به رعایت این اصول در برابر یک دیگر مکلف می‌سازد. احترام به فرهنگ، عنعنات، رسم و رواج‌ها، عقاید، موازین اخلاقی، نحوه بر خورد، احترام به حقوق فردی، عدم تجاوز و بی حرمتی به حریم شخصی، هتک حرمت، رعایت عفت کلام و قلم و ... اصول و موازینی است که نمایندگی از فرهنگ و مدنیت هر فرد و در مجموع از یک خانواده، دهکده، یک شهر و یک ملت و یک کشور می‌نماید.

استفاده از ابزار و وسایط همگانی در عالم نشرات و مطبوعات به منظور تماس در دنیای مجازی بین دوستان و اقارب و یا هم ابراز نظر در مسایل و انکشافات و رویدادها ی مربوط به زندگی و ماحول بشر امروزی مستلزم رعایت یک سلسله موازین اخلاقی می‌گردد که بشر متمدن امروزی را به آن با در نظر داشت قرابت و همبستگی او به این دهکده جهانی مکلف می‌سازد.

بزرگان و نخبگان شقوق مختلف حیاتی در جهان دیروز و امروز برای جلوگیری از نابسامانی‌ها و تنظیم حیات اجتماعی و حقوقی بمنظور تأمین عدالت اجتماعی و تعیین حدود و ثغور حقوق افراد این خانواده جهانی موازینی را طرح نموده اند که امروز این رهنمائی‌ها و دساتیر را می‌توان "فرهنگ رسانه‌های همگانی" نامید که خوشبختانه در قوانین اساسی و ضمایم آن زیر نام آزادی بیان و عقیده ثبت و حدود آن تعیین گردیده است. ولی در دنیای مجازی که نه قانون اساسی مدون دارد و نه هم می‌توانیم همگانی برای تطبیق این اصل انفکاک ناپذیر حق بشری وجود دارد، یگانه وسیله که می‌تواند رعایت چنین اصول و موازین را تضمین نماید، تعهدات فردی، اجتماعی و اخلاقی افراد است.

در این اواخر تهمت زدن‌ها، عدم رعایت عفت کلام، تجاوز بر حریم شخصی و حقوق اشخاص، هتک حرمت و حتی فحاشی و نشر اطلاعات و ادعای‌های نا درست، جزئی از فرهنگ نشراتی در شبکه‌های اجتماعی و برخی از نشرات انترنیتی رواج بدون حد و حصر یافته و هستند کسانی که هر ادعا و تهمتی که دلش‌شان خواست نه تنها بر اشخاص بلکه بر ملیت‌ها و اقوام و تبارهای ساکن در افغانستان، از هر قبیله و عشیره‌ئی که هستند،

روا می‌دارند و الفاظ رکبیک و نادرست و منافی اخلاق، بدون درک مسؤلیت و رسالت و بدون رعایت حد اقل خویشتن داری و موازین اخلاقی و نویسندگی را بی‌مأبا بکار می‌برند.

اینگونه بر خورد و اینگونه برداشت از آزادی بیان نه تنها نادرست و منافی تمام موازین و ارزش‌های نویسندگی و اظهار آزادانه عقاید و نظریات است، بلکه هم‌تاثیر چنین نوشته‌ها و نظریات را از بین می‌برد و هم‌دامن زدن به اختلافات گوناگون است و نامی جز لجام‌گسیختگی‌های ناشی از خلای اخلاق نویسندگی و رهنمودهای اخلاقی و قانونی و برخورد‌های نادرست و خلاف منافع ملی، نمی‌توان بر آن گذاشت.

آزادی بیان و حدود آن یکی از عناوین مورد بحث کتابی بود که به نام "ارکان ژورنالیسم" نگاشته بودم و در بهار سال ۲۰۱۵ میلادی طبع و نشر گردید. با در نظر داشت سیر نزولی که این اصل نویسندگی و ژورنالیسم در نشرات غیر مسؤلانه برخی از شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی اختیار کرده، نگرش دیگری بر این اصل را ایجاب نمود که مختصراً بر آن مروری خواهم داشت.

نگاهی کوتاه بر پیشینه تاریخی آزادی بیان:

آزادی بیان و فکر (عقیده) رکن اساسی یک نظام دموکراتیک است. هدف هر دموکراسی، تضمین آزادی‌های فردی به منظور تأمین عدالت اجتماعی است. هر نظام و مرام دموکراتیک را که فاقد چنین هدفی باشد نمی‌توان یک نظام دموکراتیک خواند.

در جوامع پیشرفته این حق به حیث حق فطری و اساسی شهروندان در قوانین اساسی و قوانین متممه این کشورها تضمین گردیده است. سوابق اعتراف به حق آزادی بیان و عقیده و تضمین این حقوق، به قرن هفده و هجده میلادی بر می‌گردد. مفهوم آزادی بیان برای اولین بار در لایحه حقوق مدنی انگلستان در سال ۱۸۶۰ در سند "آزادی بیان در پارلمان" ۱ و سند "حقوق مدنی شهروندان و باشندگان" در جریان انقلاب فرانسه در سال ۱۸۶۰ مسجل شد و بطور اخص آزادی بیان را حق انفکاک‌ناپذیر انسان تأیید کرد. این اعلامیه، آزادی بیان و عقیده را در ماده یازدهم چنین قید می‌کند:

" مفاهمه و مکالمه آزاد مفکوره‌ها و نظریات یکی از با ارزشترین حقوق انسان است. هر شهروند می‌تواند بر مبنای آن آزادانه سخن بزند، بنویسد، و چاپ نماید ولی باید مسؤل سوء استفاده از این آزادی، طوریکه در قانون تعریف می‌گردد، باشد"^۳

آزادی بیان که با آزادی عقیده مترادف تذکر داده می‌شود در ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسید، و همچنان در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ نیز تضمین گردیده، چنین حکم می‌کند:

" هرکس حق ابراز آزادانه نظریات و عقاید را بدون مداخله دارد، و بنا برآن هرکس حق آزادی بیان را دارد این حق شامل آزادی جست و جو، دریافت و نشر هر نوع اطلاعات و نظریات بدون در نظر داشت مرزها، شفاهی، تحریری و یا چاپی، بشکل آرت (هنر) و یا از طریق هر رسانه دیگری می‌باشد. تعمیل این حقوق مستلزم وجایب و مسؤلیت‌های خاص است و بنا برآن در مواقع ضرورت معروض به برخی محدودیت‌ها برای احترام به اعتبار حقوق دیگران و یا حفاظت امنیت ملی و یا نظم عامه و یا صحت عامه و یا روحیه عامه، خواهد بود"^۱

-۱ دیوید سمیت، تاریخ آزادی بیان و روزنامه‌گردین برتانیه ۳۴۴۸

یکی از محدودیت‌هایی که بر آزادی بیان و عقیده وضع گردیده و کشورها مطابق به قوانین و مقررات خود شان متکی بر ارزش‌های عقیدتی و فرهنگی، حدود آنرا تعیین می‌کنند، آزادی عقیده است مخصوصاً در کشور های اسلامی که طبق احکام مذهبی قوانین مربوط به اهانت به اسلام را وضع و آنرا تطبیق می‌کنند. آزادی بیان و عقیده در قوانین بین‌المللی و منطوقی به رسمیت شناخته شده است و در ماده نهم "میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی"، ماده دهم "میثاق اروپائی درمورد حقوق بشر"، ماده سیزدهم "میثاق امریکا در مورد حقوق بشر" و ماده نهم "منشور افریقا در مورد حقوق مردم و انسان‌ها" تثبیت گردیده است. در قانون اساسی افغانستان نیز آزادی بیان تضمین گردیده و ماده سی و چهارم چنین حکم می‌کند: «آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد.»

در حالیکه آزادی بیان یک عامل کلیدی در انتشار اطلاعات در زمان معاصر است و می‌تواند یک عامل بالقوه سیاسی هم باشد، نظام‌های استبدادی سیاسی و مذهبی هر دو سعی دارند از تعمیم این حق توسط شهروندان شان به هر نحو ممکنه جلوگیری نمایند ولی در عین زمان آزادی بیان به شکل لجام گسیخته آن می‌تواند بر آزادی دیگران اثر منفی داشته باشد. در پیشرفته‌ترین جوامع آزاد و دموکراتیک، حق آزادی بیان و عقیده مثل هر حقی دیگری که انسان‌ها از آن بهره‌مند هستند، مطلق نیست و محدودیت‌های دارد.

محدودیت‌های آزادی بیان:

- اعلانات نادرست و غلط،
- بیانات نفرت‌انگیز،
- اظهارات وقیحانه و زشت،
- تحریک بغاوت و شورش،
- افشای اسرار دولت
- و بدگویی و تهمت.

حفظ توازن بین حق آزادی بیان از یک طرف، و ضرورت امنیت ملی، حقیقت‌گویی و حسن نیت، از جانب دیگر، بسیاری اوقات متناقض واقع می‌شود مخصوصاً در نظام‌های مترقی حقوقی.

از همان آغازی که مفکوره آزادی بیان و عقیده تحت غور گرفته شد، این درک هم بوجود آمد که این حق معروض به محدودیت‌ها و استثنائاتی است. هیچ کشوری در جهان آزادی مطلق بیان و عقیده را به شهروندان و

۲- مصوبه (۲۲۰۰-ای) مجمع عمومی ملل متحد در دسامبر ۱۹۶۶ و انفاذ آن در ۲۳ مارچ ۱۹۷۶

۳- آرتور دلبیو دایموند، کتابخانه حقوق فاکولته حقوق یونیورسیتی کولمبیا مارچ ۳۴۴۸ -

۴ - ملل متحد سپتمبر ۱۹۴۸

باشندگانش اعطا نمی کند و اگر چنین آزادی بدون حد و حصر را اعطا کند، باشندگانش را در مقابل بد گوئی و تهمت حفاظت کرده نمی تواند و کشور قادر نخواهد بود اسرار حیاتی را حفاظت نماید

مواردی که محدودیت ها شامل آن میشود از این قرار است:

- (تشهیر) بد گوئی، تهمت و افتراء، تهمت زدن، به دروغ و به کسی نسبت خیانت دادن؛
 - بیانات تهدید آمیز علیه اشخاص؛
 - دروغ گفتن در محکمه و بی احترامی به محکمه؛
 - بیانات نفرت انگیز بر مبنای نژاد، مذهب و یا ترجیحات جنسی؛
 - تخلف از حق طبع و نشر آثار علمی و هنری (کاپی رایب)، علایم تجارتي و افشای اسرار تجارتي؛
 - افشای اسرار دولت و یا اطلاعات محرمانه؛
 - دروغی که باعث سراسیمگی مردم گردد؛
 - "جنگ لفظی" که برهم زدن صلح و آرامش را تحریک کند؛
 - بیانات فتنه جویانه، خائنه و تشویق دهشت افگنی؛
 - آلودگی صدا؛
 - کفر گوئی و توهین به مقدسات، ارتداد و الحاد، کوشش برای تغییر عقیده مذهبی یک شخص؛
 - وقاحت و بی حرمتی به مقدسات و انتشار صور قبیحه؛
 - سخنرانی بدون اجازه در بعضی جای ها؛
 - بیانات نژاد پرستانه،
 - نشر اطلاعات انتقاد از ملیت کسی در اینترنت.
- البته این محدودیت ها منحصر به این موضوعات نبوده و هم رعایت آنها از طرف تمام کشور ها التزامی نیست . هر کشور و ملت نظر به باورهای عقیدتی و مذهبی و ارزشهای فرهنگی و مطابق به قوانین و مقررات حاکمه، محدودیت های را بر آزادی بیان و عقیده وضع میکند.
- در محدودیت های که از آن تذکر رفت، بیشتر معیارها در جوامع غربی مد نظر بوده است و حکم محدودیت های جهانی را ندارد. هستند موضوعاتی که ممکن در یک جامعه غربی در جمله محدودیت ها بر آزادی بیان و عقیده نباشد، ولی در بسیاری جوامع دیگر، با آن طبق قوانین و باور های عقیدتی و ارزشهای فرهنگی همان جوامع برخورد می شود.
- از جمله محدودیت های که در بالا از آن یاد شد محدودیت ها بر وقاحت و زشتی و تهمت و بد گوئی، گرچه با در نظر داشت تعریفی که از این دو محدودیت شده، قابل بحث بوده است، ولی عملا همیشه به حیث محدودیت بر آزادی بیان، نافذ بوده است.
- یکی دیگر از محدودیت های که در کشورهای اسلامی شديدا تعقیب می شود انتقاد از اسلام است و براساس قانون کفر گوئی و اهانت به اسلام مورد مجازات دانسته می شود. همچنان کوشش برای تغییر دادن عقیده یک فرد مسلمان به دین دیگری نیز در کشورهای اسلامی جرم پنداشته می شود. حتی در کشورهای غربی، جنبش

های جدید مذهبی اکثراً با محدودیت های در زمینه تغییر عقیده مذهبی افراد مواجه می شوند و برخی اوقات در کوشش برای تغییر عقیده افراد، به مجبور ساختن و تهدید نمودن افراد متهم می گردند و مجرم پنداشته می شوند. هنوز هم جوامع و ملی هستند که نه تنها مردم شان را از این حق انفکاک نا پذیر محروم کرده اند، بلکه اگر روزنه ای هم برای قایل شدن به این حق موجود گردد آنرا هم می بندند. دیکتاتوری های سیاسی و مذهبی زیادی را می توان در افغانستان با رویکار بودن حکومت های تنظیمی و طالبان و حکومت های مطلقه گذشته، و در شرق میانه، کشورهای افریقائی، جنوب و جنوب شرق آسیا نام برد.

پایان

